

## غرامات معاهده تر کمانچای

و جریان پرداخت آن (۱)

پس از آنکه در آخر دوره دوم جنگهای ایران و روس سپاهیان عباس میرزا نایب السلطنه در کنار ارس شکست خوردند و قلعه ایروان از دست رفت و پاسکیویچ بر تبریز دست یافت برای نایب السلطنه چاره ای جز درخواست صلح نماند. وزیر مختار انگلیس جان مکدنالد (۲) که در این تاریخ یعنی در اوائل سال ۱۲۴۳ در آذربایجان بود خود را برای قرار ملاقاتی بین پاسکیویچ و عباس میرزا و تهیه زمینه مصالحه بمیان انداخت و بالاخره در دهکده نغخوارقان اسباب این ملاقات را فراهم نمود.

در این ملاقات پاسکیویچ قرار صلح را بواگذاری ولایات ایروان و نخجوان و ماکو و طالش و موغان و پرداخت بیست کروور اشرافی از طرف ایران مشروط نمود لیکن بعد از مدتی گفتگو و بحث و تهدید و تحجیب از طرفین که از جمادی الاولی تا رمضان ۱۲۴۳ بطول انجامید بالاخره پاسکیویچ بمداخله جان مکدنالد وزیر مختار انگلیس و بعلت جنگی که بین روسیه و عثمانی در گرفته بود و پاسکیویچ بهمین جهت شتابی در بستن عهد نامه صلح با ایران داشت حاضر شد که مقدار غرامت تقدی را را بده کروور تخفیف دهد و از تصرف ولایت ماکو صرف نظر نماید و رود ارس بین دولتین ایران و روسیه خط سرحدی جدید باشد. با این احوال فتحعلیشاه بقبول مصالحه تن در نمیداد یکی از آنجهت که بعلت پول پرستی و لثامت ذاتی نمیتوانست

۱- این مقاله قسمتی است از کتابی که جناب آقای دکتر قاسم غنی و مدیر این مجله بدستگیری یکدیگر

در شرح حال مرحوم میرزا قبیخان امیر کبیر و وقایع پنجاه سال قبل از صدارت او در دست تألیف دارند.

چنین مبلغ گزافی را که بیجان اوبستگی داشت از خزانه خود دور کند و از طرفی دیگر میترسید که پاسکیویچ این پول را بگیرد و آنرا برای دنبال کردن جنگ با ایران مایه و اسباب کار خود قرار دهد. عاقبت جان مکدنالد یکی از اجزای زیر دست خود یعنی مکنیل (۱) و نایب السلطنه میرزا ابوالقاسم قائم مقام را بطهران پیش شاه فرستادند و شاه را بحقیقت قضایا آگاه کردند و در رفع وحشت او از بابت سوء ظنی که بیاسکیویچ داشت کوشیدند. فتحعلیشاه که در این موقع فوق العاده از بابت پرداخت غرامت نقدی ملول و از عباس میرزا بدگمان و مکدر بود بالاخره بهر شکل بود بفرستادن شش کروور نقد از خزانه خود بتوسط میرزا ابوالقاسم قائم مقام و منوچهرخان معتمد الدوله گرجی که سمت ایچ آقاسی یعنی وزیر اندرون داشت راضی شد و آنرا روانهٔ خسه و آذر بایجان نمود تا باناً دیدهٔ آن مبلغ معاهده صلح را با مضامین رسانند. برای دانستن احوال روحیهٔ فتحعلیشاه در این تاریخ و نظر او نسبت به عباس میرزا نامه‌ای را که او بقلم قائم مقام و بهمراهی او در موقع فرستادن شش کروور بنایب السلطنه نوشته عیناً نقل میکنیم:

«نایب السلطنه بدانند که مقرب العاقان قائم مقام را که بدر بار دولت همایون فرستاده بود وارد و از مطالب مصحوبی او استحضار حاصل آمد، عرضها کرد و عذرها خواست و چون باز ابواب رحمت کرمبانه باز بود بسمع قبول اصفا شد و بمن اجابت مقرون گشت فاستجبنا له ونجیناه من الهم و عین الرضا عن کل عیب کلیله، مقدار فضل و رأفت خدیوانه را خاصه در بارهٔ آن فرزند از اینجا باید قیاس کرد که بعد از آنچه این دو سال در آن حدود حادث شد باز مطالبای عطایاست که بی در پی از خزائن ری با کروورات سته در مرورات خسه خواهد بود و اینک تا عشر اول رجب بروجه یقین بشهر قزوین خواهد رسید، کرم بین و لطف خداوندگار خبط و خطای چنان را که بذل و عطای چینی پنداش باشد خداداند و بس که اگر مایهٔ خدمت جزئی بنظر می رسید بایهٔ نعمتهای کلی تا کجا منتهی میشد، و آن تمدننامهٔ الله لانتصوها، بالجمله مبلغ پنج کروور از آن بابت بصیغهٔ انعام است و یک کروور برسم مساعد و وام تا آن فرزند را بد قولی نزد مردمان غریب و بد نامی در ولایتهای بعید و قریب روی ندهد، و وضمننا عنک و زک اللدی انقض ظهرك، و علاوه بر آن خیل و سپاهی که برای تدمیر اعادی و تعمیر خرابی آن فرزند دره بین دار الخلافه مجتمع شده اند هر روز بروجه استمرار زاید برده هزار تومان نقد با کمال غبطه و تدقیق صرف جیره و علیق آنها

است و معلوم است معادل پنجاه هزار پیاده و سواره که از ممالک عراق و اقصی بلاد خراسان و دشت قباچاق احضار بشود در این فصل زمستان خلاف عادت سپاه کشی ایران است و وجه بالا پوش و مواجب و سایر خرجهای واجب آنها بر روی هم کمتر از نقری صد و پنجاه تومان نخواهد شد سوای دو کروور علیحده که برای تهیه بیوتات و مخارج و انعامات اتفاقیه این سفر تحویل و بامانات معتدله و له تفویض فرموده ایم و سوای دو کروور بقایا و مالیات امساله که بواسطه انقلابات این دو ساله بعضی تخفیف شده و بعضی تکلیف نشده بالتمام باقی بی محل و موقوف و لم یصل میباشد، اینها همه را که حساب کنی نقصان دخل ما و توفیر خرج دیوان اعلی در این طرف قافلانکوه علی المجاله از بیست کروور گذشته است و حال آنکه اغلب مصارفی که سابقاً از مداخل آن طرف میگذشت از قبیل مواجب سربازان همدان و غیره در وجه معاش سالیانه سالیانی و شروانی و غیرها حتی ما کول و ملبوس متعلقان آن فرزند و سایر بالفعل از وجوه خاصه سرکار اقدس میگذرد و بس معینا اندک انصافی ضرور است که همین قدر تحمل و تحمیل بس است یا باز هم دنباله خواهد داشت بلی چندی قبل بر این که سیف الملوک میرزا طلای مسکوک خزانه عامره را هشتاد کروور میگفت شاید که در خزانه خاطر آن فرزند باقی باشد شایسته شأن و شوکت ما نیست که بگوئیم نداریم و همچو حرفی بزبان بیاوریم چرا که منعم هر نعمت و وهاب بی منت هم جوته و عزّ و جوده دست ما را بالاتر از هر دست و هست ما را افزون تر از هر هست خواسته است قد جلنا ربّی حقاً و قد احسن بی، پس با وصف آن اظهار نیستی کردن و عنبر تنگدستی آوردن العیاذ بالله نوعی از کفران نعمت و انکار رحمت خواهد بود نشکر الله را جیاً مستزیداً انما الشکر موجب لازیداد فایاد لنا تراها و اید فوق آیدی الوری و فوق الایادی.

اما اگر آن فرزند را شرفیابی آستانه اعلی انشاء الله تعالی مرزوق شود بچشم عبرت خواهد دید که چگونه یکباره آکنده براکنده کشته و اندوخته ها انداخته شده خدا آگاه تر است که اینها همه را بیاس خاطر آن فرزند و آنکه آواره و بی سامان و مورد طعن و توبیخ اخوان و اعوان و رجال و نسوان نشود متحمل شده ایم، آنچه داشتیم در راه تربیت و مرحمت آن فرزند گذاشتیم و نمیدانیم بعد از آنکه بفضل الله تعالی ممالک آذربایجان تخلیه شد و آن فرزند دوباره استقرار و استقلال در آنجا حاصل کرد خدمتی در ازای این همه نعمتها تقدیم خواهد نمود از قبیل استرضای مردم و استعداد لشکر و تحصیل دعای خیر و حسن سلوک با دولتهای همسایه که برخلاف سابق مایه حصول نام نیک دولت باشد و خلاف دستور العمل اولیای این حضرت نباشد یا باز از یک طرف بحرف هر بیمایه بنای برهم زنی

با همسایه خواهد بود و از يك طرف حاجی آقا و حیدر علیخان ۱ خواهد بود و جان و مال مردم آذربایجان، و هر طرف فرآشی و پیشخدمتی بحکم ولایتی و ظلم رعیتی خواهند پرداخت تا عاقبت بجایی رسد که این بار دیدیم و رسید، حکومت بدست کسانی خطاست که از دستشان دستها بر خداست، سهل است بیا این بار بنا را بر انصاف بگذار قلب خود را صاف کن و با خدای خود راست باش و با پادشاه خود راست برو و بندگان خدا و رعیتهای پادشاه را که سپرده تو باشد خوب راه ببر، درد عاجز را خود برس حرف عارض را خود برس نوکر هر چه امین باشد از آقای نوکر امین تر نیست چه لازم که رأی خود را در رأی نوکر و چاکر مستملک سازی و خود بالمره عاطل و مستدرک باشی خواه قائم مقام باشد و خواه میرزا محمد علی ۲ و میرزا تقی ۳ یا دیگران که هنگی آمر و ناهی بودند و جملگی خاطی و ساهی شدند؛ هر گاه وسعت ظرفشان در خور پاسبانی ملکی و پاسداری خلقی بود خدا آنها را نوکر و محکوم نیککرد و پادشاه آنها را والی میساخت، این نصایح مشفقانه و اوامر ملوکانه را وسیله نجات دارین بدار و بزودی مصالحه را بگذران زیاده بر این طول مسده حکم همان است که کرده ایم و پول همین است که داده ایم اگر صلح جویند حاضر و آماده ایم

۱ - غرض از حاجی آقا ظاهر آجایی میرزا آقاسی و مقصود از شخص دوم حاجی حیدر علیخان شیرازی جدید الاسلام پسر محمد علیخان و برادر زاده حاجی ابراهیم اعتماد الدوله است که چندی مهرداد عباس میرزا بوده و در حقیقت نیابت وزارت او را داشته و از دشمنان و بد خواهان میرزا ابوالقاسم قائم مقام بوده و قائم مقام چندبار او را هجو گفته از جمله میگوید خطاب به عباس میرزا:

از آن دم کاین جهود بد قدم را بسط ید دادی ترا زحمت بیا پی درد و معنت دم بدم باشد  
 ۲ - غرض از این شخص میرزا محمد علی مثایل آشتیانی است پسر میرزا کاظم که پیشکار عباس میرزا و وزیر جنگ او محسوب میشد و هموست که در سال ۱۲۳۸ پس از فتح سپاهیان ایران معاهده اول ارزنة الروم را با سر عسکر عثمانی در این شهر بسته میرزا محمد علی که مردی فاضل و منشی و شاعر بوده عم میرزا حسن مستوفی الممالک است و میرزا حسن که در ۱۲۶۳ فوت نموده پدر میرزا یوسف مستوفی الممالک صدر اعظم ناصرالدین شاه وجد مرحوم میرزا حسنخان مستوفی الممالک ثالث است.

۳ - ظاهر آ مقصود از این شخص میرزا تقی آشتیانی مستوفی آذربایجان است که ابتدا در خدمت نایب السلطنه میزیسته و در ۱۲۳۷ برای مذاکرات صلح با عثمانی بملاقات سر عسکر ترک رفته و بعدها وزیر کرمانشاهان و فارس شده و در عهد محمد شاه قوام الدوله لقب گرفته. این میرزا تقی قوام الدوله پدر میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان وجد میرزا ابراهیم خان معتمد السلطنه وجد اعلی آقای حسن و ثوق الدوله واحد قوام السلطنه است

و اگر جنگ میخواستند تا همه جا ایستاده ، آناسلم لمن سالم و حرب لمن حرب اکر کار بجنگ کشید فرزندی شجاع السلطنه باجنود خراسان و دارالرزودار الخلافه حاضرند و محمد تقی میرزا با جمعیت خود در زرنند و سپهدار با سپاه عراق در ساوه و شیخعلی میرزا با سپاه خود و دستجات خسه قراگوزلو و شاهسون در مقدمه بعدود زنجان تعیین شده تا ده هزار سوار و سرباز همدان و کرمانشاهان و گروس و کردستان و غیره از سمت گروس مأمور است بامداد آن فرزند بیاید هر نوع اجتماعی که از آذربایجان مقدور است هم آن فرزند در فکر باشد و در آن حدود مشغول جدال جهاد شود عسی الله أن یأتی بالفتح والسلام» .

فتحعلیشاه که در موقع حرکت قاطر های حامل شش کرور اشرفی از طهران و شنیدن آواز زنگ آنها از خود بیخود شد و بیقرار افتاد در این نامه هر چه توانسته است با ارسال این پول منت بر سر فرزند خود گذاشته و هر چه خواسته است در طمن و ضرب باو کوشیده و همه گناهها را بگردن او بار کرده است . شاید میرزا ابوالقاسم قائم مقام هم که خود منشی نامه است و بعلت مخالف بودن با جنگ با روسیه در تمام مدت این محاربات از کار بر کنار و در مشهد در حال تبعید و نفی میزیسته و از نایب السلطنه و مقر بان دستگاہ او دلتنگی داشته در غلیظ کردن ماده این طمن و ضرب بی دخالت نبوده است .

معاهده صلح بالاخره در پنجم شعبان ۱۲۴۳ در قریه تر کمانچای بامضا رسید . فصل ششم این معاهده چنین است :

« اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی خسارت تولت و رعیت روسیه مبلغ ده کرور نقد که عبارت از بیست ملیان مناط سفید روس است قرارداد و موعد و زه این وصول این وجه در قرارداد علیحده که لفظ بلفظ گویا در این عهد نامه مندرج است معین خواهد شد .»

فصل دوم این قرارداد علیحده که بقرارداد کرورات و تخلیه سرحدات معروف است و در همان پنجم شعبان ۱۲۴۳ در تر کمانچای بامضا رسید طرز پرداخت ده کرور غرامت و اقساط و رهنه های آنرا چنین تصریح میکند :

« نظر بما حصل فصل ششم عهد نامه عمده امروزه که بموجب آن اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بصراحت متعهد شده است که با اعلیحضرت امپراطور کل ممالک

روسیه بعوض خسارت ده کرور تومان رایج که عبارت است از بیست ملیون مناط سفید روسی بدهد مابین دولتین علیتین مقرر گشته است که سه کرور تومان آن در مدت هشت روز که بلافاصله بعد از اختتام این عهد نامه مذکورہ انقضا می یابد بوکلای مختار روسیه یا بگماشتگان ایشان داده شود و دو کرور تومان نیز بانزده روز دیر تر وصول یابد و سه کرور هم در غرة شهر اپریل (۱) سنه ۱۸۲۷ مسیحی که عبارتست از بیست و ششم رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال گردد و دو کرور باقی هم که تمهده کرور تومان است دولت ایران بدولت روسیه متعهد ایصال گشته تا غرة شهر ینوار ۱۸۳۰ مسیحی که عبارتست از هجدهم رجب ۱۲۴۵،

فصل سوّم این قرارداد علیحده چنین مشعر است

«بنیت آنکه باعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه جهت ایصال صحیح و کامل وجه خسارت مذکورہ رهنی بدهند مابین دولتین علیتین معاهدتین قرارداد شده است که تا ایصال کل هشت کرور تومان تمامی ولایت آذربایجان در زیر حمایت بیواسطه عساکر روسیه مانده اداره و انتظام آن بالاخص برای منافع روسیه باشد بنوعیکه حکومت مستعاری که الحال در تبریز وضع شده است در اجرای تسلط و رفتار خود که بر رعایت و حفظ ضابطه و آسایش درونی متعلق و بامضای وسایل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکری که باید علی سبیل العاریه در ولایت مذکورہ مقیم باشد مربوطست امتداد یابد اگر خدا نکرده مبلغ مزبور فوق که هشت کرور تومان است تا روز بانزدهم ماه اغوست ۱۸۲۸ که عبارت از سوّم شهر صفر ۱۲۴۴ هجریست بتمامه تسلیم نشود معلوم بود، و خواهد بود که تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مطلقاً استحقاق خواهند داشت که آنرا ضمیمه مملکت خود سازند تا در زیر حمایت بیواسطه و بالانفراد خود جانشینهای خود سر که انتقال آنها ببارت باشد در آن معین کنند و در باب مبلغهایی که برفوق این قرارداد در آن وقت بدولت روس وصول یافته باشد ایضاً معلوم است

۱ - مقصود ماههای روسی است که سیزده روز زود تر از ماههای عیسویان اروپای غربی شروع میشده تا این غرة اپریل روسی برابر است با سیزدهم آوریل و غره ینوار روسی سیزدهم ژانویه است.

که همه بيمطالبه واسترداد برای نفع اوباقی ميمانند اما در اين صورت دولت ايران نزد دولت روس بالمرة از تعهدات نقدی ببری الذمه خواهد بود ليکن مقرر است که هينکه اعليحضرت پادشاه ممالك دو کرور از اين سه کروری که بعد از پنج کرور تومان وجه خسارت مشروطه ميبايست دانه شود تسليم کرده شود همه آذربايجان انتهای مرتبه در مدت يك ماه از عساکر روسيه تخليه خواهد شد و باختيار ايرانيان واگذار خواهد گرديد اما قلمه و ولايت خوی مانند رهن ايصال کرور سيم از کرورات مذکور که بايد بالتمام در پانزدهم ماه آغوست سنه ۱۸۲۸ مسيحيه برسد در اقتدار عساکر روسيه خواهد ماند. جنرالی که لشکر روسيه در اختيار او خواهد بود در باب تخليه ورد همه يا جزء آذربايجان موافق آنکه اعليحضرت پادشاه ممالك ايران بدولت ايمپراطوريه روسيه در موعده معهوده همه هشت کرور يا هين هفت کرور تومان را داده پيش از وقت دستور العمل لازمه در دست خواهد داشت و حکومت مستعار تبريز در آن وقت اختيار يرا که دارد از خود سلب کرده و کلای ايران که برای اين کار از طرف اعليحضرت پادشاه ممالك ايران مأمور خواهند بود فوراً بتصرف آن خواهند پرداخت ليکن بدون اينکه ضابطه و آسایش خلق مشوش تواند شد و در شرايط و تعهداتی که در عهد نامه عمده مصالحه و در اين فصول زايد مقرر گشته است تغييری حاصل تواند کرده .

چنانکه از مطالعه فصل دوم اين قرار داد ضميمه بر می آيد دولت ايران بهمه وجه متعهد بوده است که تا بيست و ششم رمضان ۱۲۴۳ يعنی در ظرف پنجاه و دو روز پس از امضای عهد نامه تر کمانچای مبلغ هشت کرور غرامت نقدی را بدولت روسيه بپردازد و برای پرداخت دو کرور بقيه هم تا هجدهم رجب ۱۲۴۵ مهلت داشته باشد . بشرحیکه ديديم فتحعليشاه بهر وضعی بودشش کرور اشرفی از خزانه خود همراه منوچهرخان معتمدالدوله ايچ آقاسی و ميرزا ابوالقاسم قائم مقام بآذربايجان فرستاد و چون بموجب فصل سوّم هين قرار داد ضميمه اگر تا سوّم صفر ۱۲۴۴ تمام هشت کرور تحويل روسيه نيشد تمام آذربايجان بگرو ميرفت عباس ميرزا وليعهد برای تهيه دو کرور کسری هشت کرور تهيدی سخت بزحمت افتاد

و برای آنکه آذربایجان از دست نرود نایب السلطنه در تهیه این دو ضرور گرفتار مشکل عظیمی شد و در این میان عمال انگلیس که از یکطرف خود را واسطه عقد صلح قرار داده و خویشتن را خیر خواه طرفین نشان میدادند و از طرفی دیگر جز جلب نفع برای انگلستان و بسط دامنه نفوذ آن قصد و غرضی دیگر نداشتند خود را بمیان انداختند و اگر چه بظاهر تاحدی مشکل عباس میرزا را حل کردند لیکن در حقیقت گره مشکل بزرگی را برای دولت انگلیس به هارت تمام گشودند باین معنی که در عهدنامه دوستی و اتحادی که بین دولتین ایران و انگلیس در تاریخ دوازدهم ذی الحجه ۱۲۲۹ از طرفی بتوسط هنری الس (۱) و جی. ز. موریه (۲) نمایندگان انگلیس و از طرفی دیگر بوسیله میرزا محمد شفیق صدراعظم و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و میرزا عیسی قائم مقام اول نمایندگان ایران بامضارسیده بود دو فصل بود که بقای آنها همیشه برای انگلیس تولید نگرانی میکرد و نمایندگان مزبور بدستور اولیای امور خود پیوسته سعی داشتند که آنها را ملغی سازند. این دو فصل یعنی فصول سوم و چهارم معاهده دوازدهم ذی الحجه ۱۲۲۹ چنین است

فصل سیم، مقصود کلی از این عهدنامه آنست که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک بیکدیگر نمایند بشرطی که دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین بیکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردد، این عهدنامه محض از برای رفع تقدم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه بهر یک از دولتین ایران و روس از قرار اینست که باطلاع و کلاه دولتین ایران و انگلیس و دولت روس بعد از این مشخص و معین گردد.

فصل چهارم، چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیما بین دولتین علیتین بسته شده قرار داد چنین است که اگر طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران بعزم دشمنی بیایند دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیه انگلیس خواهش مذکور را بعمل بیاورد و لشکر بقدر خواهش



با سردار و اساس جنگ از سمت هندوستان بایران بفرستند و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن از جانب دولت بهیمة انگلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیما بین دولتین قویمتین بسته میشود معین خواهد شد، الحال مقرّر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت باطایفه از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور از جانب دولت بهیمة انگلیس داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای نگاه داشتن قشونست ایلچی دولت بهیمة انگلیس را لازمست که از رسیدن آن بقشون مستحضر و خاطر جمع شود و بدانند که در خدمات مرجوعه صرف میشود . . .

با اینکه بموجب این دو فصل دولت انگلیس بایستی در دوره جنگهای ایران و روسیه بایران کمک نماید و صاحب منصب و سپاهی بفرستد یا لاقلاً سالی دویست هزار تومان وجه نقد باولایای این دولت بپردازد بیهانه آنکه در این جنگها تقدّم و سبقت با ایران بوده نه با روسیه، از انجام دادن این تعهد سر باز زد ولی برای پیش بینی آینده و برای آنکه مبادا بار دیگر جنگ بین ایران و روس در بگیرد و دولت انگلیس نتواند از زیر بار این تعهد بیرون برود جان مکدنالد وزیر مختار و جان مکنیل هم دست او در تبریز و طهران بیک سلسله تشبّات و اقدامات دست زدند و عباس میرزا که برای تهیه بقیه هشت کروور باین در و آن در میزد پیشنهاد کردند که دویست هزار تومان باو نقد بدهند بشرط آنکه دولت ایران دو فصل مذکور در فوق را ملغی سازد. عباس میرزا وقت حعلیشاه بالاخره این پیشنهاد را پذیرفتند و در شعبان ۱۲۴۳ بین مکدنالد از طرفی و نایب السلطنه و میرزا ابوالقاسم قائم مقام از طرفی دیگر قراری در این زمینه بامضای رسید و بعدها یعنی در ماه صفر ۱۲۴۴ پس از رسیدن اجازه از طهران عباس میرزا رسماً در طی نامه‌ای بعنوان مکدنالد ملغی بودن آن دو فصل را باطلاع او رسانند و فتحعلیشاه نیز فرمائی در این باب صادر کرد. باین ترتیب مکدنالد با سپردن ۲۰۰۰۰۰ تومان دولت انگلیس را از زیر بار تعهدیکه ممکن بود بعدها برای آن دولت اسباب اشکال و زحمت شود بیرون آورد و عباس میرزا این مبلغ را با ۵۰۰۰۰۰ هزار تومانی

که خود فراهم نمود بود باشش کرور ارسالی فتحعلیشاه یعنی با دادن شش کرور و نیم موفق شد که آذربایجان را از قشون روسیه خالی نماید لیکن روسها خوی را بعنوان گرویک کرور و نیم بقیه هشت کرور همچنان تحت تصرف خود نگاه داشتند علت عمده مدارای روسیه با ایران در تخلیه آذربایجان قبل از وصول کل مبلغ هشت کرور گرفتاریهای آن دولت بود در جنگ با عثمانی. روسها در این ماماشه تاحدی عباس میرزا و فتحعلیشاه را از خیال پس گرفتن ولایات از دست رفته بازداشتند حتی بایشان وعده دادند که اگر جانب عثمانی را نگیرند پس از آنکه این دولت مغلوب روسیه شد قسمتی از خاک عثمانی بایران واگذار خواهد گردید.

عباس میرزا بهر نحو بود تا اندکی قبل از واقعه قتل گریبایدوف در طهران ( سوّم شعبان ۱۲۴۴ ) از یک کرور و نیم بقیه هشت کرور تعهدی معادل یک کرور و سی و چهار هزار تومان آنرا باقسط بمعال روسیه پرداخت ولی عساکر روس خوی را همچنان در گرو ۲۱۶،۰۰۰ تومان باقی در تصرف خود داشتند و همواره برای وصول آن بعباس میرزا و قائم مقام فشار وارد می آوردند و آخرین مهلتی که داده بودند بیستم رجب ۱۲۴۴ بود.

اینک قسمتی از مراسله ای را که قائم مقام از تبریز بکرامانشاه بیرادر خود میرزا موسی در همین باب نوشته نقل می کنیم. عین این مراسله بخط قائم مقام در جزء مجموعه ای از خطوط بزرگان و مشاهیر در تصرف جناب آقای دکتر قاسم غنی است. این است قسمتی از ابتدای آن مراسله:

«برادر مهربان عزیز تا تبریز نرسیدیم خوی را خالی شده میدانستیم حتی در مراغه عالیجاه امیر اصلانخان باستدعای رقم حکومت آمده بود اما روزی که وارد شدیم معلوم شد که قسطنطین شش ماهه و هفت ماهه کلا باهرچه در خانه نایب السلطنه و نوکرها از طلا و نقره و جواهر بود ببارک تبریز و شهر خوی رفته هنوز ۲۱۶۰۰۰ تومان از کرور هشتم باقیست و وعده رسیده و ۱۰۰۰۰۰ تومان شما نرسیده خوی در شرف بیع لازم است ناچار در آمدن ایلچی مختار روس (۱) تعجیل کردیم میگفت تاخوی یکسره نشود نمی آیم بهزار لطایف حیل آوردیم، بعد از همه سعی و حک و اصلاح ۵۰۰۰۰ تومان نقد بوعده پنج روزه خواست

۱ - مقسود همان گری بایدوف است که پس از رسیدن بحضور نایب السلطنه در

تبریز بتاريخ پنجم رجب ۱۲۴۴، طهران وارد شد.

شما میدانید چه آتش بر سر ما باریده تا داده‌ایم و او بعد از گرفتن وجه تن بگفت و شنید مطلب در داده است بعد ذلك ۱۶۰۰۰ تومان خواست تا سلسا را خالی نمود و در این ۶۶۰۰۰ تومان مبادل ۲۴۴۶ تومان تفاوت باجقلو (۱) شد که الباقیا برداشتند ۶۸۶ تومان هم تا امروز بگرجی وارمنی نفع داده‌ایم و حالا از غره تاییستم رجب ۱۰۰۰۰۰ دیگر باید بدهیم که نخوی خالی شود والا سلسا با ما و خوی مال آنها خواهد شد العیاذ بالله تعالی، بلی بعد از ادای این پنجاه تا عید برای صدی که مانده مهلت داده اند باین شرط که مکنیل برای ۱۰۰۰۰۰ تومان شما بطهران رفته حجت بمهر چند نفر از ماها برده اگر خیر خیری اشاء الله از آنجا برسد مهلت است والا باز حرف درخوی میرود باین معنی که بلوکات را وامیکنند از قلعه را نگاه میدارند هیچ مسلمان مقروض کافر نشود هر که در جهاد سستی کند باین سختیها گرفتار میشود خدا روی جنگجویان ایران را سیاه کند که جنگ براه انداختند و در میدان نایستادند دو سال است مرارت با ماست و باز راحت و فراغت با آنها، آه از آن قوم بی حیت بر دین، اسد علی وفی الطراد تمامه عاجز و مسکین هر چه دشمن وبدخواه ... الخ»

صد هزار تومانی که در این مراسم گفتگوی آنست از طرف عباس میرزا بر عهده والی کرمانشاهان که در این تاریخ ضمیمه حکومت آذربایجان محسوب میشد قرار داده شده و میرزا موسی برای وصول آن بآنجا رفته بود.

پرداخت این پول را هم بالاخره مکدنالد وزیر مختار انگلیس بتوسط مکنیل تعهد کرد و خوی را قبل از بیستم رجب ۱۲۴۴ عساکر روس خالی نمودند.

بشرحیکه دیدیم دو کرور بقیه ده کرور غرامتی را که بموجب فصل ششم معاهده ترکمانچای دولت ایران باید بروسیه بپردازد بنا بر قرار علیحده از طرف این دولت تعهد شده بود که تا هجدهم رجب ۱۲۴۵ تأدیه شود اما قبل از رسیدن این موعد چنانکه اشاره شد وزیر مختار روسیه گری بایدوف در طهران بتاریخ سوم شعبان ۱۲۵۴ بقتل رسید و نزدیک بود که بازمین دولتین روابط مقطوع و شاید حال صلح بچنگ مبدل گردد اما دولت ایران با فرستادن خسرو میرزا و محمدخان امیر نظام زنکنه و میرزا تقیخان وزیر نظام فراهانی بیطرز بورگ و حال مسالمتی که روسیه در حل این اختلاف نشان داد کار را خوشبختانه بطرز مطلوبی بانجام رساند.

امپراطور روسیه نیکولای اول ازدو کرور باقی يك کرور آن را پیشکش قدم خسرو میرزا پسر عباس میرزا کرد و قبول نمود که کرور باقیمانده را هم دولت

۱ - باجقلو اصطلاح ترکی اشرفی یعنی تومانی طلاست که در عهد عباس میرزا در آذربایجان و قفقازیه مصطلح و معمول بوده.

ایران پنج سال دیگر پردازد. پنج سال بعد از این ملاقات که در ۱۲۴۵ اتفاق افتاد با سال ۱۲۵۰ برابر میشد.

موعده پرداخت کرور آخر مقارن شد با فوت عباس میرزا و ابتدای ولیعهدی پسرش محمد میرزا.

محمد میرزا بدستگیری میرزا ابوالقاسم قائم مقام دو سال دیگر از روسیه مهلت گرفت و چون این دو سال منتقضی گردید حاجی میرزا آقاسی شخص اول مملکت بر اثر فشار کنت سیمونیتش و وزیر مختار روسیه مبلغ ۲۹۰۸۴،۴ تومان از این بابت بر سر منوچهر خان معتمد الدوله حکمران فارس حواله صادر نموده و معتمد الدوله هم آنرا بعنوان قسط اول از کرور آخرین بوزیر مختار روسیه تحویل داد. این است سواد حواله حاجی میرزا آقاسی که در ۲۵ جمادی الاول ۱۲۵۲ به معتمد الدوله در همین خصوص نوشته:

«خدمت مقرب الخاقان معتمد الدوله عرض میشود که از بابت قسط اول کرور آخرین ازوجه عهد نامه مبارکه موازی ۲۴،۲۳۷،۴ مثقال و یک نخود طلا باقی است زحمت کشیده موازی ۳۲۳۱۶ کشورستانی ۲ که مبلغ ۲۹۰۸۴ تومان و چهار هزار دینار ۳ ارباب خزانه عامره است و معادل مثقال مزبور میشود در وجه جناب جلالت و نبالت

### ۱ - Simonitch

۲ - در سال ۱۲۴۱ فتحعلیشاه دستور داد که از طلا و نقره سکه های جدید ضرب کردند. سکه نقره بوزن سی و شش نخود سیم و سکه طلا بوزن هجده نخود زر بود. بر روی مسکوکات نقره این مصراع را نقش کردند: «سکه فتحعلی شاه خسرو صاحبقران» و بر روی مسکوکات طلا این مصراع را: «سکه فتحعلی شاه خسرو کشورستان» از همین تاریخ هر سکه سی و شش نخودی نقره یعنی یک ریال یک صاحبقرانی و هر سکه هجده نخودی طلا یا اشرفی یا باجقو یک کشورستانی خوانده شد. اصطلاح کشورستانی یعنی تومانی طلا بزودی از میان رفت لیکن صاحبقرانی بتدریج تخفیف صورت یافته بشکل «قرانی» و «قران» باقی ماند.

۳ - ۳۲۳۱۶ کشورستانی برابر است با ۵۸۱،۶۸۸ نخود طلا یعنی ۲۴۲۳۷ مثقال. تومانی طلا یعنی کشورستانی در این عهد یک عشر بارداشته بهین جهت ۳۲۳۱۶ کشورستانی با ۲۹۰۸۴،۴ تومان رایج معادل میشده است.

انتصاب غراف سیموچ وزیر مختار دولت بهیمة روسیه کار سازی نمایند که برات دیوان همایون بجهت سند خرج شما صادر خواهد شد تحریراً فی روز بیست و پنجم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۲ ع .

در حاشیه وزیر مختار روسیه رسید این مبلغ را چنین نوشته :

« بموجب همین حواله نامه مبلغ و مقدار مزبور متن تمسک از سر کار جناب جلالتمآب معتمدالدوله باینجناب رسید که انشاءالله بورود بنده در گاه بدارالتخلافه طهران کار سازی نماید تحریراً فی سلخ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۲ محل مهر جناب غراف سیموچ وزیر مختار . حاجی میرزا آقاسی در دوره صدارت خود بهمه جهت ۱۷۰/۰۰۰ تومان از بابت این يك كرور پرداخت و ۳۳۰/۰۰۰ تومان دیگر باقی ماند . در دوره صدارت مرحوم میرزا تقیخان امیر نظام موضوع مطالبه بقیه این يك كرور همیشه در میان بود لیکن بعلت سعی بلیغی که امیر در تهیه پول و تعدیل دخل و خرج داشت و مقاومتی که در تعویق انداختن موعد پرداخت آن ظاهر میساخت دیناری از این بابت عاید روسیه نشد تا اینکه در عهد میرزا آقاخان نوری باز عمال روسیه تجدید مطلع کردند .

میرزا آقاخان بتوسط میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه<sup>(۱)</sup> وزیر مختار ایران در بطرزبورگ از دولت روسیه ده ساله مهلت خواست لیکن قبول نشد و با انشار

۱ - غرض از این شخص میرزا محمد حسین قزوینی است پسر میرزا فضل الله که پدرش معلم عباس میرزا نایب السلطنه بود و خود او بهین مناسبت در دستگاه نایب السلطنه مورد توجه شد و وقتی نایب السلطنه اورا بفارس بأموریتی پیش برادر خود حسینعلی میرزا فرمانفرما فرستاد . میرزا محمد حسین در عهد سلطنت محمد شاه بریاست دیوانخانه عدلیه برقرار گردید بهین جهت صدر دیوانخانه لقب یافت و چون طبع شعری نیز داشت تخلص شعری خود را «صدر» گذاشت . در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه یعنی در سال ۱۲۶۷ امیر کبیر اورا بسفارت روسیه فرستاد و او تا سال ۱۲۷۰ در این سمت در آنجا بود و چون بطهران احضار شد عضدالملک لقب یافت و وزیر و وظایف و اوقاف گردید . میرزا محمد حسین دو بار یکی از ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ دیگری از ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۴ متولی باشی آستانه رضوی بود . در ۱۲۸۴ معزول و کمی بعد مرحوم شد بعد از او شغل تولیت آستانه بجای میرزا محمد خان مجدالملک سینکی و لقب عضدالملکی بعلی رضاخان قاجار رسید .

روس و رشته مذاکرات بین طرفین باقی بود.

در تاریخ رجب ۱۲۶۹ میرزا آقاخان در طی "مراسله‌ای که ذیلاً نقل میشود

بمیرزا محمد حسین سفیر ایران در این باب چنین دستور میدهد:

«مکالمه خود را با جناب وزیر امور خارجه در باب فقره روز نوشته بودند ملاحظه کردم در خصوص مهلت ده ساله که با شما قرار داده بودند خدمت اعلیحضرت امپراطوری مجدداً عرض کرده مراتب را بشما اطلاع بدهند از قراری که جناب وزیر مختار خبر دادند این تمنای دولت ایران هم قبول نشده است البته الی الحال شما هم مراتب را حالی کرده‌اید باری اگر بتوانید خواهش نمایید که بقیه کرور را پول رواج ایران بگیرند باین معنی که دیگر تفاوت وزن را با ما حساب نکنند و تومانی را يك مثقالی نکنند زیاد خوبست خدمت بزرگیت که بدولت علیه کرده اید البته این خواهش را بکنید دور نیست که قبول نمایند اگر قبول نشود ماهم يك حرفی داریم و آن اینست که تومانی در زمان شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طلای خالص نبود بلکه قدری بار داشت حالا اشرفی ملای خالص است البته پول آن زمان را قدری موجود دارند نمونه آن را بدهند که از همان قرار بقیه کرور را تسلیم نمائیم، این فقره را محض اطلاع شما نوشتم و در اظهار آن اذن ندارید زیاده چه نویسم زبانی مراتب را بمقرّب العاقان حالی کرده‌ام زیاده چه نویسم فقره اخیر را برای اطلاع شما نوشتم نه فقره اول را، در باب فقره اول باید اظهار کرده امر را بجائی منتهی ننمائید لازم شد این فقره را واضحتر بشما نویسم و آن این است که دولت روس يك کرور از دولت ایران طلب داشت شاه مرحوم يك صند و هفتاد هزار تومان داد باقی میماند سیصد و سی هزار تومان حالا جناب وزیر مختار از قرار کاغذی که نوشته است و سواد آن اینک فرستاده شده مبلغ چهارصد و هفتاد و دو هزار تومان هجده نخودی مطالبه مینماید ما به التفاوت این دو مبلغ یکصد و چهل و دو هزار تومان است که تفاوت وزن حساب میکنند شما اینطور اظهار نمائید که دولت روس دولت بسیار بزرگیت مقتضای شأن آن دولت و شأن دولت ایران نیست که مثل صراف حساب کسر و تفاوت وزن بیان بیاید، از يك کرور موافق رواج عهد شاه مرحوم هر چه گرفته اند حساب کنند و تنه را که سیصد و سی هزار تومان باشد پول رواج حالا دریافت نمایند و تفاوت وزن هم چیزی نیست که آنها از ما طلب حساسی داشته باشند راست است که در عهد مرحوم فتحعلیشاه تومانی ۲۴ نخود بود و حالا هجده نخود است اما آنوقت زر خالص نبود شاه مرحوم از وزن کسر کردند و هر تومانی رازر خالص قرار دادند که در حقیقت آنچه از وزن کسر شده است باز تومانی و طلا بوده است البته خودشان هم انصاف خواهند داد که طلا و فقره تومانی که در آن عهد داده شد زر خالص نبود خلاصه سهل خواهشی است که دولت ایران از دولت روس کرده است.»

مطالبه این بقیه يك کرور غرامت که بادعای روسیه ۴۲۲۰۰۰ تومان و بحساب

ایران ۳۳۰۰۰۰ تومان بوده تا اوایل سال ۱۲۷۱ یعنی تا موقعیکه بین روسیه از طرفی و بین عثمانی و فرانسه و انگلیس از طرفی دیگر جنگهایی در شبه جزیره کریمه در گرفت دوام یافت. در این ایام دولت روس بتوسط پرنس دالگورویکی وزیر مختار خود سعی داشت که ناصرالدین شاه را بتجهیز سپاهیان در آذربایجان و کرمانشاهان یعنی در سرحدات عثمانی وادارد و ایران را بعنوان متحد خود در جنگ برضد این دولت محرک شود. داستان این قصه و اختلاف نظر شدیدی که بین شاه و میرزا آقاخان بروز کرد و تحریکات و تهدیدات وزیر مختار روسیه و سفیر کبیر عثمانی در طهران مفصل و از حد بحث ما در این مقاله خارج است. خلاصه مطلب آنکه در تاریخ ۱۸ محرم ۱۲۷۱ مطابق دوم سپتامبر ۱۸۵۴ دولت روسیه عهد نامه ای محرمانه طی چهار فصل با ایران بست و آنرا آنچکوف ۲ کلدار روس و میرزا آقاخان امضا کردند و ایران قبول کرد که در مدت جنگهای کریمه بی طرف بماند و عثمانی و متحدین او کمکی ننماید و از فرستادن اسلحه و آذوقه بخاک عثمانی و یاران آن دولت جلو گیری کند، تنها فصلی از این معاهده که بنفع ایران بود فصل سوم آنست که عیناً نقل میشود:

«فصل سیم، دولت روسیه از طرف خویش بملاحظه اجرای صحیح فصول مسطور و نظر باتمام صداقت و حقانیت وظایف دوستی و همجواریت از جانب دولت ایران اگر آن اتمام در مدت کل امتداد جنگ دولت روسیه بادشمنان خودشان بعمل خواهد آمد و هیچ برهان موآجه در خلال آن زمان بر نقض آنها شهادت ندهد در حین انعقاد صلح مطالبه بقیه آخرین کرور تومانی را که دولت ایران الآن هم بدولت روسیه مقروض است گذشت و انکار خواهند کرد.»

جنگهای کریمه در سال ۱۲۷۲ خاتمه یافت و روسیه با اینکه در این محاربات شکست خورد چون دوستی ایران را برای نقشههایی که در باب افغانستان و هرات داشت برای خود لازم میسرمد و ایران هم در طی جنگهای کریمه بتعهدات خود عمل نموده بود بموجب همین معاهده از مطالبه بقیه کرور آخرین غرامت دست برداشت.